

واکنش قاطع تهیه‌کنندگان، کارگردانان و مجریان در حمله به رسانه ملی

خانه دوم زیر آتش؟

صدای تلویزیون در پاسخ به تهدیدها

در روزهایی که دوربین‌های رسانه ملی زیر آوار تهدیدها و انفجارها دوام آوردند، واکنش خانواده تلویزیون تنها یک اعلام موضع ساده نبود؛ نوعی بازگشت بود به هویتی که در قاب‌های روشن و تاریک سال‌های متمادی شکل گرفته است. از کارگردانان متعهد و تهیه‌کنندگان پشت صحنه گرفته تا مجریان سال‌های پر تنش و پر تلاش، هر کدام به زبان خود از این حمله گفتند؛ بعضی در قامت نقد، بعضی در هیبت دفاع، و بعضی با نگاهی اندیشمندانه و بی‌تعارف. تهیه‌کننده‌ای از میانه میدان نوشت، کارگردانی از رگ خواب تصویر، و مجری‌ای از بغض فروخورده‌اش حین اجرا. خانه دوم بسیاری از آن‌ها هدف قرار گرفت و طبیعی بود که پاسخ‌ها، فراتر از مناسبات اداری و رسانه‌ای باشد. حمله به سازمان صداوسیما، برای این چهره‌ها، تنها حمله به ساختمان نبود؛ تعرضی بود به حافظه جمعی و بخشی از زیست حرفه‌ای‌شان. آن‌ها که سال‌ها با همه فراز و فرودها، بر مدار این سازمان چرخیده‌اند، حالا در لحظه‌ای سخت و پراضطراب، کنار آن ایستاده‌اند. این هم‌صدایی، بار دیگر نشان داد که تلویزیون - با همه نقدها و فاصله‌ها - هنوز برای بسیاری، جایی برای ایستادن هست. نه به خاطر سیاست، که به خاطر تعلق.



سرکار خانم سحر امامی ایمان و اقتداری که از دل طوفان حادثه رشادت آفرید و با به رخ کشیدن شایستگی‌های حرفه‌ای شیر زن ایرانی، به فضل الهی نقشی ماندگار از رسانه ملی در این بیخ تاریخی ثبت کرد. به پاس این دلیری و شایستگی، مهارت کارت جنابعالی صادر گردید. توفیق روزافزون جنابعالی را در خدمت به آرمان‌های سترگ نظام اسلامی رامسئلت داریم.

اداره کل آموزش و سنجش صلاحیت حرفه‌ای رسانه

پیمان جبلی رییس رسانه ملی: هیچ خللی در اراده ما به وجود نیامده است

گفت. در پیام جبلی، آمده است: به اطلاع مردم شریف ایران می‌رساند دقایقی قبل سازمان صداوسیما مورد هجوم ددمنشانه دشمن صهیونی قرار گرفت. این حمله نشان از هدف گیری دقیق رسانه ملی به عمق استراتژیک رسانه‌ای دشمن دارد. فرزندان رشید مردم عزیزمان در رسانه ملی با صدای رسا اعلام می‌کنند، عزم ما در نقش آفرینی جنگ ترکیبی راه افتاده از سوی دشمن صهیونی چندین برابر شده است و هیچ خللی در اراده ما برای شکست رسانه‌ای جبهه کفر به وجود نیامده است.

در حالی که انفجار در یکی از ساختمان‌های رسانه ملی، نگاه‌ها را به سمت امنیت و پایداری بخش زنده برده بود، رئیس صداوسیما با صدور پیامی صریح، این حمله را نه نشانه ضعف، بلکه گواهی بر اثرگذاری رسانه ملی در نبرد ترکیبی دشمن دانست. پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما، در پی حمله رژیم صهیونیستی به این سازمان



احسان نیلی تهیه‌کننده صدا و سیما

غبارها که نشست، مردی‌ها و نامردی‌ها آشکار می‌شود

از تلویزیونی نوشته که برایش خانه دوم است؛ جایی که با عشق بر نامه ساخته، با دغدغه روایت کرده و حالا در دفاع از آن، یک صدا با همکارانش ایستاده. نیلی از لحظه‌هایی گفته که صدای انفجار نزدیک بود، اما صدای اراده قوی‌تر. یادداشت او، نه فقط یک واکنش شخصی، بلکه سندی است از تعهد و دلبستگی نسل رسانه‌سازانی که بی‌هراس از تهدید، پشت قاب ایستاده‌اند.

احسان نیلی در این یادداشت نوشته است: این روزها به خاک ما تجاوز شد، درد کشیدیم و زخم خوردیم و امروز به خانه دوم ما تلویزیون حمله شد. روحان زخم خورد و دلمان ذره ذره در میان شعله‌ها سوخت اما اینجا ایرانه. ریشه ما در این خاک است و زاده این دیاریم.

سربلندیم با ایرانمان و هیچیم بدون آن. این روزها مثل همه روزهای دیگر می‌گذرد ولی غبارها که افتاد آشکار می‌شود مردی‌ها و نامردی‌ها. خدا کند که بمیرم وطن فروش نباشم.

در روزهایی که خاک وطن زخمی است و دل‌ها سوخته از تهاجم، حالا نوبت به خانه دوممان رسید؛ رسانه‌ای که با آن زیسته‌ایم، گریسته‌ایم و جنگیده‌ایم. حمله به صداوسیما، فقط انفجار ساختمان نبود؛ تکه‌تکه شدن خاطرات، امیدها و باورهایی بود که در قاب کوچک تلویزیون جان می‌گرفت. اما اینجا ایران است؛ جایی که حتی از دل خاکستری، صدای ایستادگی برمی‌خیزد. این روزها می‌گذرند، اما آن چه باقی می‌ماند، حقیقتی است که در غبارها روشن‌تر از همیشه خواهد درخشید.

در همین فضای غم‌زده اما مقاوم، احسان نیلی، تهیه‌کننده با سابقه تلویزیون، در یادداشتی اختصاصی برای روزنامه صبا، از زخمی گفته که فقط به دیوارها نبود، بلکه به روح و جان اهالی رسانه هم رسید.



کامران نجف‌زاده مجری و خبرنگار با سابقه رسانه ملی:

امید روشن‌ترین چراغ ماست

و شیران شود. نجف‌زاده در پایان ضمن تأکید بر اینکه «امید روشن‌ترین چراغ ماست»، نوشت: «سحر امامی نیز با فعالیت‌های رسانه‌ای خود، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ رسانه‌های ایران به دست آورده است.» نجف‌زاده که سال‌ها در عرصه خبرنگاری فعالیت داشته، با گزارش‌های تأثیرگذار خود در بحران‌های مختلف، همواره صدای مردم بوده است. او که سابقه خبرنگاری در مناطق جنگی و بحرانی را دارد، در این روزها نیز با پیام‌های خود، نقش مهمی در تقویت بشر ملی ایفا می‌کند و برش‌هایی از برنامه «برمودا» که با اجرای او روی آنتن رفته، مانند بخش‌هایی از گفت‌وگوهای او با امیر حبیب‌الله سیاری و ناخدا هوشنگ صمدی و ایرال شده است.

کامران نجف‌زاده مجری برنامه برمودا و خبرنگار با سابقه رسانه ملی به حملات رژیم صهیونیستی واکنش نشان داد و گفت: همه‌باهم با همدلی نخواهیم گذاشت ایران و ایران و کنام پلنگان و شیران شود. در این روزهای حساس کامران نجف‌زاده، خبرنگار و مجری با سابقه، با انتشار پیامی در فضای مجازی بر اهمیت اتحاد و همدلی مردم تأکید کرد و برای خبرنگار صبا نوشت: «وطنم ای شکوه پابرجا / در دل التهاب دورانها کشور روزهای دشوار / زخمی سربلند بحران‌ها همه باهم با همدلی نخواهیم گذاشت ایران و ایران و کنام پلنگان



سرمقاله

رسانه ملی در خط مقدم روایت؛ آتش بر حقیقت، آزمون وجدان جهانی



امیرافشار فتوحی
دبیر تحریریه روزنامه صبا

در روزهایی که آذیرها بلندتر از هر زمان دیگری در گوشمان زنگ می‌زنند و هجوم اخبار، مرز خیال و واقعیت را پاک کرده، گاهی تنها چند دقیقه کافی است تا تمام قضاوت‌های پیشین مان در باره یک نهاد، یک شخص، یا حتی یک ملت از نو نوشته شود. تهدید رژیم صهیونیستی علیه سازمان صداوسیما، صرفاً یک تهدید نظامی نبود؛ تلاشی بود برای سلب اعتبار، برای خاموش کردن صدایی که، حتی اگر در سال‌های اخیر از مردم فاصله گرفته بود، اما هنوز ریشه در خاک همین سرزمین داشت. هدف دشمن، ساختمان نبود؛ «باور» بود.

اما درست در بزنگاه، چیزی رخ داد که فراتر از محاسبات استراتژیک و اتاق‌های فکر بود. دقایقی از بخش زنده، که شاید در تاریخ رسانه ایران به عنوان یکی از خالص‌ترین و شریف‌ترین دقایق ثبت شود. سحر امامی، در میانه انفجار و لرزش، بی آن که از جای برخیزد، ایستاد. دیوارها لرزید، دوربین لرزید، صدا خراش برداشت، نورها یکی یکی خاموش شدند، اما او ماند. لحنش حماسی شد. صدایش نه فقط صدا، که پژواک قرن‌ها مقاومت بود. گویی گرد آفرید از دل تاریخ بیرون آمد تا مقابل دشمن بایستد، پشت میزی شیشه‌ای، زیر نورهایی که هر لحظه ممکن بود فرو بریزند. دیگر این، رسانه‌ای نبود که فقط «خبر» می‌داد؛ این، رسانه‌ای بود که خودش «خبر» شد.

و این تصویر، فقط یک لحظه تلویزیونی نبود. بازتابی بود از عزم ملتی که بارها آزموده شده، و هر بار در سخت‌ترین لحظه‌ها، دوباره خود را باز یافته است.

اما آیا این همه ماجراست؟

نه. آن انفجار، تنها تهدیدی نبود که در برابر دوربین‌ها رخ داد. رژیم صهیونیستی رسماً تهدید به هدف قرار دادن زیرساخت‌های رسانه‌ای ایران کرد؛ تهدیدی که به روشنی با اصول بین‌المللی در تضاد است. طبق ماده ۷۹ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷) و همچنین قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل، از جمله بندهای منشور جهانی حقوق بشر و مصوبات یونسکو، خبرنگاران و نهاد‌های رسانه‌ای تحت هر شرایطی باید از حملات نظامی مصون باشند. حمله به رسانه، به منزله حمله به حقیقت است. و آن‌گاه که حقیقت هدف قرار گیرد، «جنایت جنگی» رقم خورده است.

این جنایت، پیشینه دارد. ما در رسانه ملی، همکاران شهیدی داریم که جانشان را در مسیر روایت حقیقت از دست داده‌اند. چه در سال‌های دفاع مقدس، چه در میانه مأموریت‌های خبری در مناطق بحران‌زده، چه در انفجارها و حملاتی که هیچ‌گاه در صدر خبرها ننشست. آن‌ها که دوربین بر دوش داشتند، اما هدف گلوله شدند. آن‌ها که میکروفن به دست داشتند، اما در میدان نبرد جان دادند. حمله اخیر، فقط به ساختمان جام‌جم نبود؛ به خاطره تمام آن‌ها بود.

و همین است که آن دقایق تاریخی، معنایی فراتر می‌گیرد. گوینده‌ای که ماند و سخن گفت، وارث نسل خبرنگارانی بود که با شجاعت زیستند و با صداقت رفتند. او نه فقط اجرای زنده را ادامه داد، بلکه پرچم افتاده همکاران شهیدش را از زمین برداشت.

شاید تادریوز، بسیاری رسانه ملی را از خود نمی‌دانستند؛ از آن فاصله می‌گرفتند یا به نقدش می‌نشستند. اما چند دقیقه نیاز بود تا اعتماد عمومی بار دیگر شکلی تازه بگیرد. رسانه‌ای که می‌دانست ممکن است هدف قرار گیرد، اما پخش را قطع نکرد؛ چراغ را خاموش نکرد؛ دوربین را نیست. و این انتخاب، فارغ از گرایش‌های سیاسی و رسانه‌ای، یک «ایستادگی ملی» بود.

رسانه اگر رسانه باشد، در لحظه بحران است که عیار خود را نشان می‌دهد. و رسانه ملی که زیر آتش هم صدای مردم ماند، صدای ایران شد. و دشمنی که چنین رسانه‌ای را هدف قرار دهد، نه از موشکش، که از صدای ما شکست خواهد خورد.

اما وظیفه ما فقط تحسین این رویداد نیست. باید صدای بلند اعتراض باشیم در برابر حمله‌ای که نه تنها علیه ایران، که علیه اصل آزادی اطلاع‌رسانی در جهان بود. اگر امروز حمله به رسانه را نادیده بگیریم، فردا نوبت هر حقیقت دیگری است که هدف گرفته شود.

این اتفاق نه فقط یک لحظه تاریخی برای صداوسیما، که آزمونی برای وجدان جامعه بین‌الملل بود. سکوت در برابر این حمله، مشروعیت حقوق بین‌الملل را زیر سؤال می‌برد. سازمان ملل، یونسکو و تمامی نهاد‌های ناظر بر حقوق بشر باید بدون تعارف، این اقدام را آن‌طور که هست بخوانند: جنایت جنگی.

وما؟

ما باید بدانیم، همان‌طور که در جنگ فیزیکی به خاک‌مان تجاوز می‌شود، در جنگ رسانه‌ای به حقیقت مان. و دفاع از رسانه، دفاع از سرزمین معناست.

در جهانی که دروغ‌ها بیشتر از گلوله‌ها پرتاب می‌شوند، ایستادن مقابل دوربین، در دل انفجار، خود نوعی رزم است.